



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات فارسی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش ادبیات

تحلیل بازنمایی واقع‌ی کشف حجاب در ادبیات داستانی معاصر ایران (۱۳۹۲-۱۳۴۰)

استاد راهنما:

دکتر سیده مریم عاملی رضایی

استادان مشاور:

دکتر عسگر عسگری حسنکلو

دکتر نعمت‌الله فاضلی

پژوهش‌گر:

سمیرا فرقانی

بهار ۱۳۹۴

تقدیر از

مادرم، پدرم

و هر آن کس که از الفبای دبستان تا امروز به من آموخت.

سپاسگزاری می‌کنم از استاد نازنینم دکتر مریم عاملی رضایی که با راهنمایی ایشان قادر به انجام این پروژه شدم و همچنین از استاد بزرگوار آقای دکتر فاضلی که زحمت مشاوره‌ی این پژوهش را پذیرفتند و بسیار متشکرم از استاد گرانقدرم دکتر عسگری که با خلوص و از سر حوصله من را صمیمانه در این امر یاری کردند و در آخر قدردانی می‌کنم از خانم دکتر صلاحی مقدم که با پذیرفتن زحمت داوری این پایان‌نامه، مرا از نکات قوت و ضعف این اثر آگاه کردند و راهنمایی ایشان باعث شد بتوانم تا جایی که میسر بود کاستی‌های این پژوهش را رفع کنم. به امید موفقیت و درخشش روز افزون همه‌ی این استادان عزیز!

تقدیم به

همه‌ی دختران سرزمینم

می‌خندی و لباس شب از شهر می‌دری
این‌گونه در نظام جهان دست می‌بری!

دامن خلیج، چهره خزر، مو هزار چم
در یک نگاه پنجره‌ای رو به کشوری

خواهان «پهلوی» شده این شهر، بلکه تو
برداری از هراس «رضا شاه» روسری

باور نکردنی ست پس از قرن‌ها هنوز
چون دلبران دوره‌ی سعدی ستمگری

مویت سپاه موج و دلم قلعه‌ای شنی
جنگی نبوده است به این نابرابری!

«از هر چه بگذرم سخن دوست خوش تر است»
از دوست بگذرم... که تو از دوست بهتری!

عبدالمهدی نوری

چکیده

پیوند و ارتباط مسائل اجتماعی با ادبیات، پیوندی دوسویه است. بازخوانی مسائل اجتماعی در قالب ادبیات داستانی، از رویکردهای نقد اجتماعی است. مسأله‌ی اصلی این پژوهش، بازنمایی و تحلیل موضوع کشف حجاب به شکلی مقایسه‌ای در ادبیات داستانی پیش و پس از انقلاب اسلامی ایران است. هدف پژوهش، نقد تفاوت‌هایی است که در برخورد با این مسأله، با توجه به موقعیت، ایدئولوژی و زمان نگارش آثار داستانی شکل گرفته است. با مطالعه‌ی شش داستان بررسی شده (شوهر آهو خانم، سووشون، جشن فرخنده، من او، ای کاش گل سرخ نبود و سراب و سمرقند) در بازه‌ی زمانی ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۲ نشان می‌دهیم که چگونه کشف حجاب، ارتباط مستقیم با هویت زن ایرانی و تأثیری ژرف بر زندگی وی داشته است که این ارتباط، خواسته یا ناخواسته در آثار نویسندگان نمایان شده است. در نگاهی کلی، موضع مخالف اقدام به کشف حجاب را می‌توان در آثار نویسندگان مذکور به وضوح دید. این مخالفت‌ها، دلایل متفاوتی دارد. نخستین تفاوتی که در مقایسه‌ی دیدگاه نویسندگان مشهود است، نگرش مخالف نویسندگان پیش از انقلاب و حامی گفتمان لیبرال با ایدئولوژی مبارزه علیه تجدد تحمیلی و دفاع از سنت بومی در برابر کشف حجاب با رویکردی سیاسی- اجتماعی است، در حالی که مخالفت نویسندگان پس از انقلاب و حامی گفتمان دینی توأم با دیدگاه ارزشی در راستای گفتمان نظام برتر همراه با رویکردی دینی است. تفاوت دیگر در زبردستی نویسندگان زن نسبت به نویسندگان مرد و توصیف دقیق شخصیت زنان، خصوصاً در ترسیم بهتر خلیات و واکنش‌های ایشان مقابل ارزش‌های نوتعریف جامعه و تحولاتی است که مستقیماً به تغییر سرنوشت آن‌ها ختم می‌شود. هدف این پژوهش، تحلیل تفاوت‌ها در برخورد با مسأله‌ی کشف حجاب در نوع نگرش نویسندگان و همچنین بررسی داستان‌ها برای کشف بن‌مایه‌ها و درون‌مایه‌هایی مربوط به کشف حجاب با بسآمد بیشتر است. مبنای تحقیق، مراجعه به تألیفات و منابع تاریخی، سیاسی و گزارش و خاطره‌های مربوط به این رویداد است که از این میان، چند اثر به تناسب ارتباط بیشتر، بررسی و واکاوی شده است.

واژگان کلیدی: کشف حجاب، ادبیات داستانی، گفتمان لیبرالی، گفتمان دینی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲.....	مقدمه.....
۷.....	کلیات.....
۱۳.....	اوضاع سیاسی- اجتماعی دوران رضاشاه.....
۱۸.....	زمینه‌های فکری کشف حجاب.....
۲۳.....	زمینه‌های اجتماعی کشف حجاب.....
۲۶.....	نخستین ریشه‌های واقعه‌ی کشف حجاب.....
۲۸.....	بانوان موافق.....
۳۰.....	بانوان مخالف.....
۳۵.....	جایگاه حجاب در انقلاب اسلامی.....
۴۰.....	گفتمان پوشش در ایران.....
۴۷.....	گفتمان دینی.....
۴۹.....	گفتمان لیبرال.....
۵۱.....	تبدیل زنان به «ابژه‌ی گفتمانی» بر اساس منطق نژادی.....
۵۴.....	بازنمایی کشف حجاب در شعر عصر مشروطه.....

حضور زن در ادبیات داستانی ایران.....۶۴

معرفی داستان‌های مورد بررسی.....۷۵

فصل دوم: نقد و بررسی پدیده‌ی کشف حجاب در ادبیات داستانی ایران

شوهر آهوخانم.....۸۱

خلاصه‌ی رمان.....۸۱

تحلیل تاریخی - اجتماعی رمان.....۸۴

تحلیل جایگاه کشف حجاب و نمادهای آن در رمان.....۸۶

سووشون.....۹۸

خلاصه‌ی رمان.....۹۸

تحلیل تاریخی - اجتماعی رمان.....۱۰۱

تحلیل جایگاه کشف حجاب و نمادهای آن در رمان.....۱۰۴

جشن فرخنده.....۱۱۶

خلاصه‌ی داستان.....۱۱۶

تحلیل تاریخی - اجتماعی داستان.....۱۱۷

تحلیل جایگاه کشف حجاب و نمادهای آن در داستان.....۱۲۰

منِ او.....۱۲۹

خلاصه‌ی رمان.....۱۲۹

تحلیل تاریخی - اجتماعی رمان.....۱۳۱

۱۳۶	تحلیل جایگاه کشف حجاب و نمادهای آن در رمان.....
۱۵۱	ای کاش گل سرخ نبود.....
۱۵۱	خلاصه‌ی رمان.....
۱۵۲	تحلیل تاریخی- اجتماعی رمان
۱۵۷	تحلیل جایگاه کشف حجاب و نمادهای آن در رمان.....
۱۶۶	سراب و سمرقند.....
۱۶۶	خلاصه‌ی رمان.....
۱۶۷	تحلیل تاریخی- اجتماعی رمان.....
۱۷۰	تحلیل جایگاه کشف حجاب و نمادهای آن در رمان

فصل سوم: بحث و نتیجه گیری

۱۸۷	بازنمایی بطن تاریخ در متن رمان
۱۸۸	داستان‌های پیش از انقلاب اسلامی.....
۱۹۸	داستان‌های پس از انقلاب اسلامی.....

فهرست منابع

۲۱۱	کتاب‌ها.....
۲۱۳	مقالات و پایان‌نامه‌ها
۲۱۵	سایت‌ها.....

فصل اول:

کلیات؛ مفاهیم و مبانی نظری

مقدمه

با بررسی بیش‌تر متون تاریخی، زندگی‌نامه‌ها، متون ادبی اعم از داستان و شعر و دیگر نمونه‌ها آشکار می‌شود که اگر نپذیریم زن به عنوان جنس^۱ دوم در این آثار، مطرح می‌شود، دست کم این واقعیت محرز است که شیوه‌ی شخصیت‌پردازی وی بیش‌تر متأثر از تفکری مردانه بوده که مسیرها، جوانب و نیز ابعاد خاص خود را دنبال کرده است و به نظر می‌رسد این تفاوت در پرداختن به موضوعات و مسائل مربوط به زنان فراتر از تفاوت‌های ذاتی بین دو جنس رفته است؛ به‌گونه‌ای که وقتی پای قضایایی هم‌چون ستم، خشونت، تبعیض و... به میان می‌آید، مسئله، جنسیتی^۲ می‌شود. از سوی دیگر با نگاهی به متون اساطیری، تاریخی و اجتماعی و بررسی ابعاد گسترده و پیچیده‌ی وجود زن و نقش‌های مختلفی که در این آثار داشته است، می‌توانیم بپذیریم زن موجودی پیچیده و اسرارآمیز است. زن در طول تاریخ با نقش‌هایی متفاوت از خدایان گرفته تا خاتون‌های حرم‌سراها و در جهان امروز، به عنوان کالای تبلیغاتی در جامعه‌ی مدرن خودنمایی کرده است. از همین بحث کوتاه می‌توان نتیجه گرفت موجودی با این ابعاد و ویژگی‌های منحصربفرد، این پتانسیل را دارد که (به درستی یا به قصد سوءاستفاده) از سوی نظام‌ها و نخبگان سیاسی و اجتماعی به عنوان دستاویزی برای پیشبرد اهداف و اغراض متعدد تلقی شود. نمونه‌های این مدعا که به ویژه از زمان آغاز مدرنیته، آن هم بیش‌تر در جوامع مقلد، اتفاق افتاده‌اند کم نیستند. بارزترین نمونه‌ای که دست کم در ذهن ما ایرانیان نقش بسته‌است، کشف حجاب زنان در زمان رضاخان است که نماد اصلی تجدد و ترقی از سوی شخص شاهنشاه و همفکرانش تلقی می‌شد.

زمینه‌ها و بازنمایی این واقعیت تاریخی در بسیاری عرصه‌ها قابل توجه است و لذا از بسیاری ابعاد و زوایا به آن پرداخته می‌شود. اما از منظر ادبیات داستانی که موضوع این پایان‌نامه است امری حاشیه‌ای بوده و کم‌تر به آن پرداخته شده است که سعی می‌شود دلایل این امر در فصل اول مورد اشاره قرار گیرد. همین حاشیه‌ای بودن موضوع، دشواری دیگری را پدید آورده و آن تدوین چهارچوبی نظری و ساختارمند در نقد ادبیات داستانی ایران از این زاویه است. لذا در این پایان‌نامه ضمن اشاره‌ای کوتاه به آثار ادبی مربوط در این

زمینه با بهره‌گیری از چند نظریه و نیز گفتمان رایج اسلامی- ایرانی به نقد و بررسی چند رمان مرتبط می‌پردازیم.

تعاملات میان فرهنگ‌های مختلف همواره به تغییر منجر شده است. در این میانه هرگاه فرهنگ مقابل قدرت‌مندتر بوده و یا به اشکال مختلف هم‌چون جنگ و حمایت از داخل بر فرهنگ دیگری تحمیل شده، اثرگذاری آن نیز بیش‌تر بوده است و توازن معمولی‌یی که در تبادلات بین دو یا چند فرهنگ اتفاق می‌افتد به هم خورده و یکی بر دیگری از طریق گسترش ارزش‌ها و نمادهای خود، چیرگی یافته است. تحلیل‌گران فرهنگی معتقدند که به‌ویژه پیش از انقلاب رسانه‌ای و دیجیتالی، علاوه بر یورش‌های نظامی، نخبگان روشنفکر، دولت‌مردان، بازرگانان و... از جمله نقش‌آفرینان عرصه‌ی تبادل و تعاملات فرهنگی هستند. از همین رو در دوران قاجار که با افزایش مسافرت‌های شاهان و روشنفکران به فرنگ روبه رو هستیم، مظاهری از فرهنگ اروپایی و مدرنیته‌ی آن دوران به کشورمان وارد می‌شود که با نفوذ در فرهنگ هزار ساله‌ی پس از اسلام، تحولاتی را پدید می‌آورد که هنوز هم از چالش‌برانگیزترین موضوعات مورد بحث در دوران معاصر است. پدیده‌ی کشف حجاب در ایران، ناشی از آشنایی برخی افراد (از جمله روشن‌فکران و دولت‌مردان) با غرب، فرهنگ و اندیشه‌ی غربی است. نخستین نشانه‌های این پدیده که بعدها در دوران رضاشاه پهلوی رسمیت یافت را می‌توان در دربار ناصرالدین شاه قاجار و سپس در محافل روشن‌فکری مشاهده نمود. لذا می‌توان گفت که مسئله‌ی تغییر پوشش و تفکر بنیادین آن در دوران قاجار شکل گرفته است. شاهان قاجار مسافرت‌هایی به اروپا داشتند؛ مثلاً ناصرالدین‌شاه در سفرش به فرنگ از فرم پوشش زنان اروپایی خوشش آمد و تمایل داشت که زنان حرمسرایش نیز لباس اروپایی بپوشند، هر چند هیچ‌کدام از زنان حرمسرای ناصری بدون روسری و حجاب ظاهر نشدند لیکن لباس‌هایی می‌پوشیدند که نیمی ایرانی و نیمی اروپایی بود. (رک. ابوزرجمهری و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۱)

پس نتیجه می‌گیریم که نخستین بارقه‌های تفکر تغییر پوشش، از غرب وارد ایران می‌شود و این مسئله، به هیچ‌وجه یک پدیده‌ی خودجوش نبوده است. در سال‌های نخستین پس از مشروطه، افراد کم‌شماری موفق به سفر فرنگ یا زندگی در آن‌جا شده بودند. آن‌ها معمولاً تجار یا محصل بودند و در میان آن‌ها نقش

دولت‌مردان را در اشاعه و تحقق واقعه‌ی کشف حجاب نمی‌توان بی‌اهمیت دانست. آنان می‌دانستند برای رسمیت بخشیدن به این پدیده ابتدا باید در کانون خانواده‌ها، اقدامات لازم به عمل آید.

«کشف حجاب در ایران دوره‌ی پهلوی اول، اقدامی بود که نه تنها وضعیت زنان را تغییر داد بلکه جامعه را نیز عمیقاً دگرگون کرد. اجرای این سیاست، هفت سال طول کشید و هدف از آن بیرون آوردن زنان ایرانی از پس پرده و غربی کردن آن‌ها بود. با این که کشف حجاب از زمان‌بندی چندان مشخصی برخوردار نیست اما تاریخ رسمی آغاز آن ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴ و پایان نیمه‌ی رسمی آن مصادف با خلع رضاخان از سلطنت در شهریور ۱۳۲۰ بود که به دنبال اشغال ایران به دست قوای خارجی متفق در جنگ جهانی دوم علیه آلمان نازی صورت گرفت.» (صادقی، ۱۳۹۲: ۱۲)

فکر کشف حجاب در واقع پس از سفر به ترکیه در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۱۳ در سر رضاشاه می‌افتد و با همه‌ی تلاش‌هایی که او و دولت‌مردانش برای زمینه‌سازی کشف حجاب فراهم آوردند، این رویداد، مسئله‌ای نبود که بتواند به آسانی و بدون تنش با استقبال عمده‌ی مردم مواجه شود و ناگزیر تبعاتی داشت. رضاشاه که می‌پنداشت تفکر ریشه‌دار دینی و مبانی ارزشی حاکم بر جامعه، مانع جدی بر سر راه پیشرفت و مدرنیته است طی این سفر، تحت تأثیر اقدامات غرب‌گرایانه‌ی آتاتورک واقع شد و بعد از بازگشت به ایران تمام تلاش خود را برای غربی کردن جامعه‌ی ایرانی به کار برد. لیکن رضاشاه و مشاوران وی به این نکته توجه نداشتند که در ترکیه هیچ‌گاه، کشف حجاب، اجباری نشده بود و همین تفاوت می‌توانست دلیل عمده‌ی عدم موفقیت رضاشاه در مقایسه با آتاتورک باشد. در ترکیه «اگرچه زنان به عدم استفاده از چادر تشویق شدند، اما داشتن حجاب، هیچ‌گاه امری خلاف قانون شناخته نشد. (لوئیس، ۱۳۷۲: ۳۸۰؛ Kandiyoti, 1991: 23) چرا که اگر کمال آتاتورک درصدد برمی‌آمد تا قانونی در منع حجاب به تصویب برساند، در این صورت با عکس‌العمل شدید محافظه‌کاران مواجه می‌شد. بدین ترتیب وی صلاح را در این دید تا مرور زمان تغییرات دل‌خواه را به وجود آورد. (اسپنسر، ۱۳۴۲: ۱۱۶) بنابراین در منابع مختلف نیز کم‌تر نشانه‌ای دال بر واکنش سخت از طرف مردم در رابطه با کشف حجاب زنان می‌یابیم. این امر از سویی نتیجه‌ی نبود اجبار قانونی برای کشف حجاب و هم‌چنین تدریجی بودن این روند بوده است.» (قیداری و جنگجو، در حال چاپ: ۹) اما این مسئله، در مورد شاه ایران، متفاوت است و این باور وجود دارد که رفتار دیکتاتورمآبانه‌ی رضاشاه باعث شده بود که او بیش از آنکه به عنوان یک عملکرد

دل خواه به اجرای این قانون بپردازد به عنوان یک عمل نظامی که باعث یکدستی و نظم افراد جامعه به مثابه سرباز در پادگان می شده است، کشف حجاب را سامان بخشد. به نظر رضاشاه، با لباس متحدالشکل و کلاه پهلوی و کشف حجاب، مردم زودتر به تمدن می رسیدند. این اقدامات یکی از مسئله سازترین اقداماتی بوده که در دوره ی پهلوی اول انجام گرفته است. نوع حجاب زنان در آن دوران چادر، چاقچور و روبند بوده است که این حجاب، صورت و دستها، تقریباً چشمها و تمام بدن را می پوشانده است پس در این دوران پوشیدن کلاه و مانتو بی حجابی تلقی می شده و می بینیم که تلقی آن زمان از کشف حجاب با امروز متفاوت بوده است. حائری نیز یکی از تفاوت های سیاست گذاری کشور ترکیه نسبت به ایران را به سبب تفاوت جمعیت مسلمان این دو کشور می داند. او معتقد است جمعیت قابل توجه غیر مسلمان در ترکیه، سیاست گزاران این کشور را مجبور کرد تا برای تدوین قوانینی که برای مسلمان و غیر مسلمان برابر باشد به صرافت بیافتند و این در حالی است که اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران مسلمان هستند. (رک. حائری، ۱۳۹۲: ۲۸۳)

کشف حجاب رضاخانی مانند غالب رویدادهای اجتماعی در زمینه ی ادبیات نیز تأثیرگذار بود. ادبیات نمود اندیشه ها و احساسات و عواطف هنرمند است که در دنیای پیرامون وی رخ می دهد و خود، آن را تجربه می کند. هرگاه ارزش های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه ای تغییر کند، در نوع نگرش و عواطف شاعر و نویسنده نیز تغییر ایجاد می شود. تحولات ایران از اوایل انقلاب مشروطه نه تنها شکل سیاسی و ساختارهای اجتماعی را دگرگون ساخت، بلکه در زمینه ی شعر و ادبیات داستانی نیز تغییرات فراوان ایجاد کرد که بیان گر ورود ایران به دوران مدرنیته و جدال و چالش میان سنت و تجدد بود. یکی از وجوه اهمیت پرداختن به مسئله ی کشف حجاب، مسئله ی زن و چگونگی حضور او در جامعه است. این موضوع، مسئله ای اجتماعی است که در شعر و داستان به اشکال مختلف بازنمایی شده است. کشف حجاب علاوه بر زمینه های فکری و اجتماعی، زمینه های ادبی به ویژه در شعر هم دارد. پیکار شاعران در مخالفت و موافقت با حجاب زن در دوران مشروطیت نمود بارزی دارد؛ به طوری که سه شاعر برجسته ی این دوره یعنی ایرج میرزا، عارف قزوینی و میرزاده عشقی با سرودن اشعار و فعالیت های مطبوعاتی، مخالفت خود را با حجاب عنوان کردند. از

سوی دیگر شاعران دین‌مدار و پایبند به سنت، چون طبرسی کاظمینی متخلص به ضیایی، آقا محمد عاصی رشتی، نطنزی طباطبایی و... جوایه‌هایی در رد اشعار آن‌ها سروده‌اند. از این رو بررسی کشف حجاب به عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی در ادبیات با توجه به پیوند و تأثیرپذیری ادبیات از مسائل اجتماعی، ضرورت دارد. «جامعه‌شناس ادبیات وظیفه دارد که بین تجربه‌های شخصیت‌های خیالی و فضای خاص تاریخی که منشاء آن تجربه‌ها است، پیوند زند و تأویل ادبی را به بخشی از جامعه‌شناسی شناخت بدل کند. جامعه‌شناس ادبیات باید بتواند بر اساس معادله‌ی خصوصی درون‌مایه‌ها و فنون سبکی، معادلات بنویسد.» (لوونتال، ۱۳۹۰: ۷۶)

در فصول مختلف این پایان‌نامه ضمن اشاره‌ی مختصر به زمینه‌ها و تاریخچه‌ی کشف حجاب، به بررسی بازنمایی آن در اشعار و ادبیات داستانی و نقد و تحلیل رمان‌های منتخب از دو زاویه‌ی ادبی و جامعه‌شناسی خواهیم پرداخت.

کلیات:

بیان مسئله

در این پژوهش با استفاده از آثار ادبی خصوصاً در حوزه‌ی داستان به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که رضاشاه و کارگزاران حکومت پهلوی اول چه استدلال‌هایی برای طرح کشف حجاب داشته‌اند و آیا این استدلال‌ها ریشه در فرهنگ و اندیشه‌ی ایران داشته است یا خیر. می‌خواهیم بدانیم زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی کشف حجاب در ادبیات و اندیشه‌ی جامعه‌ی آن روز ایران چه بوده است و آیا کارگزاران کشف حجاب برای اقناع جامعه از این زمینه‌ها استفاده کرده‌اند یا خیر. این پژوهش به تأثیر پدیده‌ی تاریخی-اجتماعی کشف حجاب بر ادبیات داستانی می‌پردازد و این که این موضوع به چه شکل در ادبیات منعکس شده و نویسندگان چه رویکردهایی در مقابل این موضوع اتخاذ کرده‌اند. این مسئله چه در شعر و چه در نثر، بازنمایی شده است که در این رساله با بررسی اجمالی شعر، خصوصاً در دوره‌ی مشروطه ابتدا تاثیر این موضوع در ادبیات منظوم بیان می‌شود و سپس این موضوع به شکل تحلیلی در ادبیات داستانی پیش از انقلاب، در دو قالب رمان و داستان کوتاه، بررسی خواهد شد. به عنوان مثال در رمان‌های «شوهرآهوخانم» و «سووشون» که پیش از انقلاب نوشته شده‌اند، نویسندگان، در حاشیه‌ی پیرنگ اصلی رمان به مسئله‌ی کشف حجاب پرداخته‌اند. همین‌طور در داستان کوتاه جشن فرخنده که پیرنگ اصلی داستان مسئله‌ی کشف حجاب است می‌توانیم به رویکرد توأم با انتقاد و طنز نویسنده با کشف حجاب پی ببریم. در ادامه‌ی بررسی این موضوع، به بررسی ادبیات داستانی پس از انقلاب خواهیم پرداخت. در این دوره، ما داستان کوتاهی در این زمینه نیافتیم، گویی توجه به این موضوع بیشتر در قالب رمان بوده است. رویکرد نویسندگان با توجه به زمینه‌ها و شرایط به وجود آمده، مخالفت آنان با این پدیده به صورت بهره گرفتن از فضای بیشتر در پیرنگ اصلی داستان برای پرداختن به این موضوع بوده است. داستان‌هایی مانند «ای کاش گل سرخ نبود» و «من او» که پس از انقلاب نوشته شده‌اند، به شکلی تفصیلی به این موضوع می‌پردازند.

ضرورت پژوهش

با نگاهی به پیشینه‌ی این پژوهش و تأمل در بررسی‌های مشابه، مشاهده می‌کنیم با وجود این که قانون کشف حجاب، علاوه بر واکنش‌های مردم عادی، حساسیت‌ها، واکنش‌ها و قضاوت‌های جامعه‌ی روشنفکر و ادبی را نیز برانگیخته، جای یک پژوهش که مجموعه‌ی این رفتارها را کنکاش و مقایسه کند، همچنان خالی است. بنابراین با توجه به بررسی‌هایی که هرچند محدود و محدود در زمینه‌ی بررسی بازنمایی کشف حجاب در شعر شاعران مخالف و موافق، صورت گرفته، ضرورت بررسی و تحلیل این موضوع برای نخستین بار در ادبیات داستانی، برجسته‌تر می‌نمود. همچنین بررسی این موضوع به عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی در ادبیات با توجه به پیوند و اثرپذیری ادبیات از مسائل اجتماعی ضرورت دارد. ادبیات نمود اندیشه‌ها و احساسات و عواطف شاعر و نویسنده است که در دنیای پیرامون وی رخ می‌دهد و شاعر، خود آن را تجربه می‌کند. هرگاه ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی جامعه تغییر کند در نوع نگرش و عواطف شاعر و نویسنده نیز تغییر ایجاد می‌کند. پیوند هنر و ادبیات با اجتماع به ویژه از دیدگاه تعهد ادبی و مسئولیت ادبیات، امری بدیهی است. تحولات سیاسی- اجتماعی و فرهنگی از اوایل انقلاب مشروطه نه تنها شکل سیاسی و ساختارهای اجتماعی را دگرگون ساخت بلکه در زمینه‌ی شعر و ادبیات داستانی نیز تغییرات فراوان ایجاد کرد که بیانگر ورود ایران به دوران مدرنیته و جدال و چالش میان سنت و تجدد بود. یکی از وجوه اهمیت پرداختن به مسئله‌ی کشف حجاب، مسئله‌ی زن و چگونگی حضور او در جامعه است. این موضوع، مسأله‌ای اجتماعی است که در ادبیات داستانی به اشکال مختلف بازنمایی شده است و بررسی تأثیر کشف حجاب بر ادبیات داستانی دوران مشروطه و مقایسه‌ی آن با دوران معاصر، می‌تواند ما را با دیدگاه‌های مختلف نسبت به موضوع آشنا سازد.

سؤال‌های پژوهش:

در بررسی رمان‌های منتخب، می‌خواهیم بدانیم:

۱. نویسندگان، برای مطرح کردن مسئله‌ی کشف حجاب در داستان‌ها چه رویکردی اتخاذ کرده‌اند؟
۲. نویسنده چه تمهیدات داستانی‌یی را در خدمت بیان موضوع قرار داده است؟
۳. طرح این واقعه در ادبیات داستانی چه سیری را طی کرده است؟

فرضیه‌ها:

۱. به نظر می‌رسد نویسندگان آثار مورد بررسی؛ چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، مخالف با مسئله‌ی کشف حجاب اجباری از سوی دولت، هستند. البته شدت و صراحت در ابراز این مخالفت می‌تواند متفاوت باشد. از نظر صراحت بیان، به نظر می‌رسد مخالفت با این تحمیل، در آثار نویسندگان پس از انقلاب مشهودتر است.

۲. در برخی داستان‌ها مثل «سووشون» و «شوهر آهو خانم»، نویسنده بیش‌تر از طریق شخصیت‌پردازی به طرح مقوله‌ی کشف حجاب پرداخته و در برخی داستان‌ها مثل «سراب و سمرقند» و «من او» از طریق پیرنگ، این موضوع در داستان مطرح شده است.

۳. به نظر می‌رسد که طرح این واقعه در نمونه‌های نخست به شکلی ضمنی در کنار پیرنگ اصلی داستان به کار برده شده اما بعد از انقلاب و با گذشت زمان، طرح این مسأله در داستان‌ها، فکر اصلی و عمده‌ی پیرنگ داستان را شکل داده است.

پیشینه‌ی پژوهش:

۱. کشف حجاب، فاطمه صادقی: در بسیاری از تحلیل‌های این کتاب که در مورد کشف حجاب صورت گرفته از یک سو بر اراده و عزم رضاشاه و از سوی دیگر بر نقش دولتمردان و نخبگان فکری و فرهنگی در این واقعه تاکید شده است. اما توجه زیادی به فاعلیت زنان و تاثیر آن بر این اقدام خواه به صورت موافق یا مخالف نشده است.

۲. جنسیت، ناسیونالیسم و تجدد در ایران، فاطمه صادقی: این کتاب، بازخوانی سیاست‌های جنسی مصادف با دوره‌ی پهلوی اول است؛ آنگونه که در نشریات مشهور آن دوره؛ نظیر کاوه، ایرانشهر، آینده، زبان زنان و... منعکس شده است. انتخاب این دسته نشریات از آن رو صورت گرفته است که در رشد و ارتقای اندیشه‌های ناسیونالیستی نقش مهمی را ایفا نموده‌اند.

۳. حکایت کشف حجاب، تهاجم فرهنگی غرب و کشف حجاب، موسسه‌ی فرهنگی هنری قدر ولایت: این کتاب، مجموعه‌ای است از اسناد و مدارک پیرامون وقایع کشف حجاب و به طور کلی مسائلی از جمله آغاز تبلیغات حکومتی در مورد کشف حجاب، اجرای جشن‌ها و برنامه‌های طراحی شده از سوی دولت برای ترویج کشف حجاب، سلسله مقالاتی که به نظم و نثر در جراید منتشر شده و در آن‌ها از نقاب و حجاب زنان انتقاد به عمل آمده و برخورد توأم با خشونت ماموران در مبارزه با حجاب اسلامی را به صورت مستند ارائه داده است.

۴. زمینه‌های فرهنگی و ادبی کشف حجاب در ایران، شعر مخالفان و موافقان، محمدرضا جوادی یگانه و فاطمه عزیزی: این مقاله با نگاهی متفاوت به مسئله‌ی کشف حجاب، تلاش دارد تا آن را در بستر فرهنگی و ادبی جامعه‌ی ایران در دهه‌ی آخر سده‌ی گذشته و دو دهه‌ی ابتدایی سده‌ی حاضر مورد بررسی قرار دهد و بر این مبنا، با تحلیل شعر موافقان کشف حجاب با استدلال‌های دولتی در آن زمان و نیز مقایسه‌ی شعر موافقان کشف حجاب با شعر مخالفان، هم تفاوت بیان و استدلال موافقان و مخالفان و هم مبنای استدلال‌های دولتی کشف حجاب بر مدعیات مطرح شده در شعر موافقان را نشان می‌دهد. تحلیل محتوای شعر شاعران کشف حجاب نشان می‌دهد که محتوای این اشعار پنج

زمینه‌ی کلی داشته است: بهبود وضعیت عمومی زندگی و فرهنگی زنان با آزادی زنان و حضور آنان در اجتماع، تحصیل علم و هنر و معرفت، انکار رابطه‌ی دین و حجاب، عدم تأثیر حجاب بر عفت زنان و باستان‌گرایی و مخالفت با اسلام.

۵. داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب، رسول جعفریان: در این کتاب گزارش‌های تاریخی مربوط به شروع کشف حجاب، نیز زندگی‌نامه‌ی شماری از حجابیه‌نویسان، به علاوه‌ی اشعاری که موافق یا علیه حجاب سروده شده همراه با کتابشناسی حجاب ارائه شده است.

۶. مقاله‌ی کشف حجاب در ادبیات داستانی، مریم سادات حسینی: گزارش کوتاهی است از چند رمان چاپ شده با موضوع کشف حجاب و تلاش شده تا رابطه‌ی این واقعه با داستان، نمایش داده شود. با این حال، این تحقیق بسیار مختصر است و به اصل داستان‌ها و شرح و بررسی آن‌ها وارد نمی‌شود.

۷. کشف حجاب، زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، مهدی صلاح: در این اثر کوشش شده تا سیر کشف حجاب در ایران در عصر رضاشاه بررسی شود. اسناد به دو دسته‌ی عادی و محرمانه تقسیم می‌شوند. نشریات «زبان زنان»، «جمعیت نسوان وطنخواه ایران»، «عالم نسوان»، «ایران‌شهر» و کتاب‌های «خاطرات و خطرات» تألیف مهدیقلی‌خان هدایت معروف به مخبر السلطنه، «سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی» به قلم علی اصغر حکمت، «مأموریت برای وطنم» تألیف محمدرضا پهلوی، «رستاخیز ایران» به قلم فتح الله نوری اسفندیاری و «تاریخ معاصر ایران» تألیف پیترو آوری، در این کتاب مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

روش انجام این پژوهش کتابخانه‌ای است؛ زیرا موضوع پژوهش به‌گونه‌ای است که باید با مراجعه به کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و اسناد به جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها پرداخت و با دسته‌بندی آن‌ها نتیجه‌ی مطلوب را به دست آورد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت استقرایی است یعنی با استفاده از مطالعه‌ی کتاب‌ها و گرفتن اطلاعات مورد نیاز و فیش‌برداری و نکته‌یابی مطالب مهم، به دسته‌بندی و طبقه‌بندی اطلاعات پرداخته می‌شود. این پژوهش در سه فصل تنظیم شده است. در فصل اول ابعاد و زوایای کشف حجاب و نیز برخی مسائل مرتبط با زنان که حول محور همین موضوع می‌گردد مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین بازنمایی حضور زنان در اجتماع و ادبیات و انعکاس کشف حجاب در ادبیات داستانی و تا حدی نیز ادبیات منظوم مورد بحث قرار می‌گیرد. در فصل دوم، شش داستان که در آن‌ها به نوعی کشف حجاب و مسئله‌ی عفت زنان مورد اشاره قرار گرفته از همین زاویه در حد امکان در قالب دیدگاه‌ها و گفتمان‌های دینی، اجتماعی و ادبی نقد می‌شود... در نهایت در فصل سوم با اتکاء به گزاره‌های فصل اول و دوم به نتیجه‌گیری در زمینه‌ی انعکاس کشف حجاب در ادبیات داستانی ایران می‌پردازیم.

اوضاع سیاسی - اجتماعی دوران رضاشاه

این دوره با توجه به نقش مهمی که در شکل‌گیری رویداد کشف حجاب دارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار و بررسی آن به عنوان نقطه‌ی آغازین ظهور این بدعت لازم و ضروری است. رضاخان با کودتای ۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۱ م پا به میدان سیاست گذاشت و در ۱۳۰۴ ش / ۱۹۲۵ م با پایان دادن به سلطنت قاجار، حکومت پهلوی را بنا نهاد. با این‌که این کودتا و دولت برآمده از آن، از نظر قانونی مشروعیت نداشت لیکن با توجه به وضعیت جامعه، مردم احساس می‌کردند حضور چنین فردی در رأس حکومت مرکزی ضروری است.

«کودتای ۱۲۹۹ در واقع، نتیجه‌ی جنگ جهانی اول و ویرانی حاصل از آن، قحطی و گرسنگی، اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی است». ایران در جنگ جهانی اول اعلام بی‌طرفی کرده بود اما به رغم این بی‌طرفی، کشور صحنه‌ی درگیری قوای روس، عثمانی و بریتانیا شد... جنگ، تأثیر مستقیم و مخربی بر اقتصاد ایران داشت... توسعه‌ی صنعتی دچار وقفه شد، واردات بر صادرات پیشی گرفت و شهرها با تورم دست به گریبان بودند. به عبارت دیگر، مردم برای جنگی که خود در به راه انداختنش نقشی نداشتند، بهایی چنین سنگین پرداختند.» (فوران، ۱۳۷۸: ۲۹۵، ۲۹۶)

دوره‌ی پهلوی اول در تاریخ ایران، دوره‌ی حساسیت‌ها و چالش‌های توأم با ساز و کارهایی مثبت است که به نحوی پارادوکسیکال به موازت هم پیش می‌روند. این دوره، با تحولاتی چون تغییر لباس، کشف حجاب، اسکان عشایر، ترتیبات جدید در نهادهای سیاسی و اجرایی و ایجاد شناسنامه، راه‌آهن و تأسیسات زیربنایی دیگر نمودار شده است که برای مردم، ورود به دورانی جدید با آثاری متفاوت محسوب می‌شده است. این دوره، نتیجه‌ی آموزه‌هایی ناسیونالیستی است که در دوره‌ی مشروطه از سوی روشن‌فکران، مقابل استبداد سلسله‌ی قاجار ظاهر شد. در دوره‌ی پهلوی اول، این آموزه‌های ناسیونالیستی با سیاست‌های حکومت مرکزی، تلفیق شده و آرمان‌های رضاشاه به عنوان پدر ملت ایران بر اساس آموزه‌های ناسیونالیستی دوره‌ی مشروطه، در این دوره، شکلی عملی به خود گرفت. بنابراین دوره‌ی رضاشاه را می‌توان دوره‌ای از تاریخ پدرسالاری ایران به حساب آورد. درباره‌ی دوره‌ی رضاشاه، دیدگاه‌های ضد و نقیضی وجود دارد. در میان کسانی که به ناسیونالیسم اعتقاد دارند عملکردهای رضاشاه به ویژه با در نظر گرفتن اصلاحات زیربنایی او

صرف نظر از استبداد پدرسالارانه‌اش، دوره‌ای مثبت از تاریخ ایران، تصور می‌شود و در مقابل، برخی دیگر به ویژه اسلام‌گرایان، این دوره را به سبب دیکتاتوری او به ویژه برای سرکوب روحانیون و قوانینی چون کشف حجاب، مورد انتقاد قرار می‌دهند.

«تا مدتی بعد از انقلاب سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۷۹/۱۳۵۶-۱۳۵۷ کم‌تر فرد ایرانی از هر صنف و طبقه پیدا می‌شد که معتقد نباشد رضاشاه را انگلیسی‌ها به پادشاهی رسانده‌اند... و ستایشگران او که از چند سال بعد از انقلاب اخیر رو به فزونی گذاشته‌اند شجره‌نامه‌ای با صاحب‌منصبان نظامی خوش‌نام برای او فراهم آورده‌اند. ولی ظاهراً هر دو طرف اغراق کرده‌اند.» (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۳۵۷)

نمونه‌ی این برداشت‌های دوگانه از سیاست‌های رضاشاه، درباره‌ی مسائل زنان نیز وجود دارد. در برخی دیدگاه‌ها بر دستاوردهای مثبت این دوره برای زنان تأکید شده است ولی به عقیده‌ی برخی دیگر، سیاست‌هایی همچون کشف حجاب اجباری منجر به خانه‌نشین شدن طیف زیادی از زنان مذهبی می‌شود.

«پلیس اجازه یافت روسری‌ها را از سر زنان بردارد و اگر روسری‌ها دارای ارزشی بود به اداره‌ی پلیس تحویل داده شود. درگیری میان زنان و پلیس تا مدت‌ها ادامه داشت و نتیجتاً بسیاری از بانوان که نمی‌خواستند به هیچ‌وجه بدون حجاب خارج شوند تصمیم به ماندن در خانه گرفتند تا به تمام درگیری‌ها خاتمه دهند. برای عده‌ای این خانه ماندن تا رفتن رضاشاه از ایران ادامه داشت و عده‌ای رفت و آمدهای خود را فقط در شب‌ها انجام می‌دادند و چه بسیار خانه‌هایی که اجباراً اقدام به ساختن حمام نمودند که زنان جهت حمام مجبور نشوند از خانه‌ها خارج گردند.» (استاد ملک به نقل از حکایت کشف حجاب، ۱۳۹۲: ۲۸)

رضاشاه در اداره‌ی حکومت وقتی که در میدان سیاست تحکیم کافی را به دست آورد به اصلاحات اجتماعی پرداخت. اصلاحات وی هرچند نامنظم انجام شد، نشانه‌ی علاقه‌ی شدید او به تلاش در راه ایران بود. ایرانی که از نظر شاه، از یک‌سو می‌بایست دور از نفوذ روحانیون و نیروهای مذهبی، دسیسه‌های خارجی، شورش‌های قبیله‌ای و اختلافات قومی قرار گیرد و از سوی دیگر دارای نهادهای آموزشی غربی، زنان غربی‌مآب فعال در بیرون از خانه و ساختار اقتصادی نوین همچون کارخانه‌های دولتی، شبکه‌های ارتباطی،

بانک‌های سرمایه‌گذاری و فروشگاه‌های بزرگ باشد. در نتیجه، هدف دراز مدت رضاشاه ایجاد جامعه‌ای شبه‌غربی (یا به هر ترتیب جامعه‌ای که مطابق برداشت او از غرب باشد) بود و مهم‌ترین ابزار او برای رسیدن به این هدف، غیر دینی‌سازی، مبارزه با قبیله‌گرایی، ملی‌گرایی، توسعه‌ی آموزشی و سرمایه‌داری دولتی بود. این غیردینی ساختن، در چندین جبهه آغاز شد. یکی از جبهه‌ها وزارت عدلیه به سرپرستی داور؛ حقوقدان تحصیل‌کرده‌ی سوئیس بود. او حقوقدانان تحصیل‌کرده‌ی جدید را جایگزین قضات سنتی کرد، ترجمه‌های تعدیل یافته‌ای از حقوق مدنی فرانسه و حقوق جزای ایتالیا را که برخی از آن‌ها با قوانین شرع متعارض بودند را به نظام حقوقی ایران اضافه کرد و به مقررات شرعی مربوط به احوالات شخصی مانند ازدواج، طلاق و حضانت از طلاق، سر و سامان داد. وی همچنین مشاغل سودآور ثبت اسناد را از روحانیون گرفت و به وکلای غیر روحانی واگذار کرد. او همچنین حضور روحانیون را در مجلس بسیار کاهش داد. وی رسم قدیمی بست‌نشینی و تحصن در اماکن مقدس را از اهمیت انداخت، تظاهرات عمومی در عید قربان و زنجیرزنی در ماه محرم را غیرقانونی کرد، درهای مساجد اصلی اصفهان را به روی جهان‌گردان خارجی گشود، از صدور روایید به کسانی که خواهان زیارت مکه، مدینه، نجف و کربلا بودند جلوگیری کرد و به دانشکده‌های پزشکی دستور داد که تعصب مسلمانان را در حرمت کالبدشکافی نادیده بگیرند. در نتیجه، روحانیون نه تنها در حوزه‌ی سیاست بلکه در امور قضایی، اجتماعی و اقتصادی نیز نفوذ خود را از دست دادند. (رک. آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۷۴)

سابقه‌ی چالش میان سکولارها و دین‌مدارها بر سر حضور روحانیون در اداره‌ی مملکت به همان روزهای آغازین رسیدن کشور به مشروطه باز می‌گردد. به دنبال همیاری روحانیون و روشن‌فکران و دیگر آزادی‌خواهان در مبارزه با استبداد قاجار و رسیدن به مشروطه، بحث قابل توجهی که پیش آمد، چگونگی تدوین قانون اساسی‌یی بود که با در نظر داشتن مسائلی مربوط به آزادی و برابری (مسلمان و غیر مسلمان و زن و مرد) منطبق بر احکام اسلامی نیز باشد. افرادی از جمله نائینی، طرفدار این چنین قواعدی بودند و این درحالی بود که اندیشمندان نوگرا مانند مونتیسکیو، آلفیری و حتی کواکبی در برخی موارد چنین بحث